ایران
Iran Daily Newspaper
چهارشنبه
۲۸ مرداد ۱۴۰۵
۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۱۰۱
Wednesday
19 August 2026
Vol 9101

حسین سیمایی، وزیر علوم تحقیقات و فناوری در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

دانشگاه در خط مقدم بازآفرینی کشور

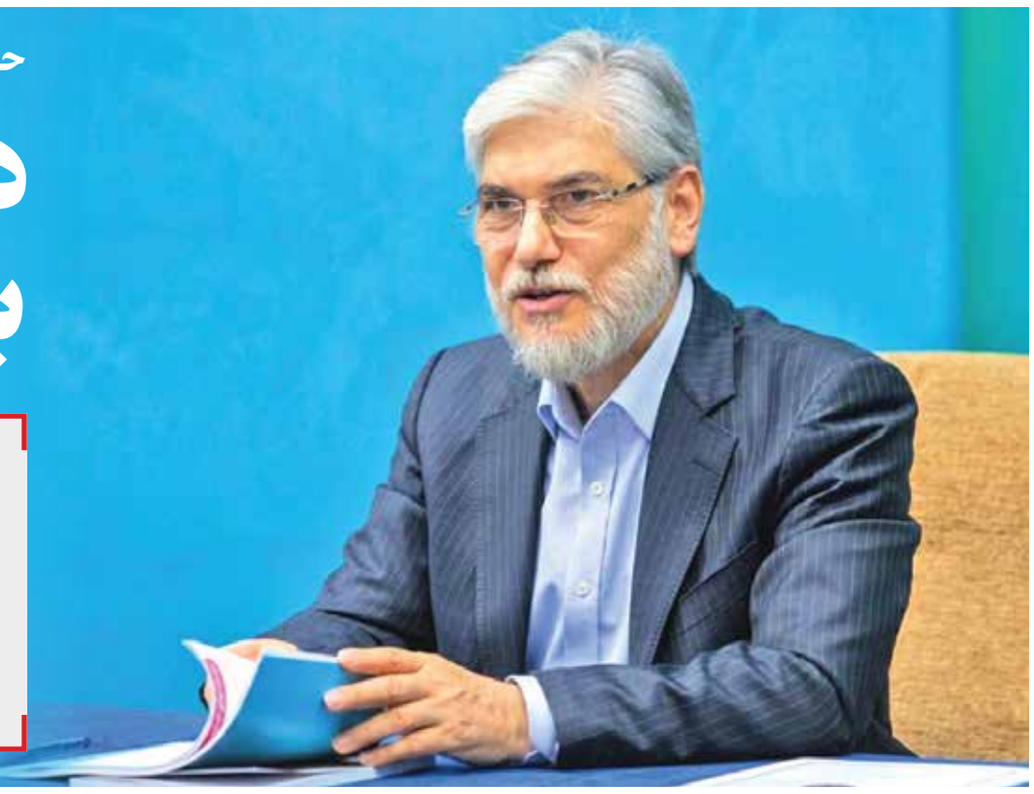

• گفت وگو •

مرجان قندی
گروه اجتماعی

بازسازی کشور در دوران پساجنگ، فراتر از یک پروژه عمرانی، فرصتی تاریخی برای بازآفرینی نقشه راه آموزش عالی است؛ فرصتی که در آن دانشگاه باید از جایگاه یک ناظر، به بازوی عملیاتی دولت در صف اول حل مسائل کلان کشور تبدیل شود. حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اینکه جنگ اگرچه به زیرساخت‌های علمی و سرمایه انسانی خسارت وارد کرد، اما ضرورت‌های راهبردی کشور را با صراحت پیش روی ما قرار داد، می‌گوید: «هدف ما بازگشت به شرایط پیش از جنگ تحمیلی نیست؛ باید از این تجربه برای ساختن دانشگاهی قوی‌تر، مسأله‌محورتر و آماده‌تر برای آینده استفاده کنیم.» او با اشاره به رایزنی‌های انجام شده با رئیس جمهوری برای اختصاص اعتبارات ویژه جهت روزآمدسازی آموزش عالی، از تخصیص این منابع به تجهیز آزمایشگاه‌ها، توسعه فرصت‌های مطالعاتی و تقویت ارتباطات علمی خبر می‌دهد؛ رویکردی که نوید بخش حرکت به سوی ساختن فردایی روشن‌تر و تاب‌آورتر برای ایران است. وزیر علوم در این گفت‌وگوی تفصیلی، ابعاد دقیق‌تر نقش‌آفرینی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این گذار راهبردی را تشریح کرده است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

در سخنان اخیرتان تأکید کردید که دانشگاه‌ها در دوره پساجنگ، علاوه بر اصلاح و روزآمدسازی درونی، باید در خط مقدم بازسازی کشور قرار بگیرند. دقیق‌تر بفرمایید این نقش‌آفرینی قرار است با چه سازوکاری پیش برود؟

دانشگاه قرار نیست جای دستگاه اجرایی بنشیند، اما باید بتواند برای مسائل واقعی کشور راه‌حل علمی و فناورانه ارائه کند. در دوره پساجنگ نیز دستگاه‌های اجرایی مسئول بازسازی هستند و دانشگاه می‌تواند دانش و فناوری مورد نیاز این فرآیند را تأمین کند. معتقدم باید یک گام فراتر از بازسازی برویم و به بازآفرینی فکر کنیم؛ یعنی بخش‌های آسیب‌دیده صرفاً به شرایط گذشته برنگردند بلکه با استفاده از دانش روز تا حد امکان بهتر و پیشرفته‌تر از قبل ساخته شوند. نمونه آن را طی بازدیدی از روند بازسازی خوابگاه‌های آسیب‌دیده ناشی از جنگ در دانشگاه شهید بهشتی و همچنین محل جدید پژوهشگاه لیزر مشاهده کردم. در این بازسازی‌ها تلاش شده صرفاً آنچه آسیب دیده به شکل سابق بازگردانده نشود، بلکه با توجه به نیازهای جدید و تحولات فناوری شرایطی بهتر از گذشته ایجاد شود. همین نگاه می‌تواند درباره صنایع، زیرساخت‌ها و سایر بخش‌هایی که در جریان جنگ تحمیلی آسیب دیده‌اند نیز دنبال شود. برای تحقق این هدف در وزارت علوم سازوکاری برای مدیریت حل مسائل کلان کشور طراحی شده است. وزارتخانه‌هایی مانند نیرو، نفت، صمت، ارتباطات و راه و شهرسازی مسائل و نیازهای خود را مطرح می‌کنند و وزارت علوم بر اساس شناختی که از ظرفیت‌های علمی و تخصصی کشور دارد، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری توانمند در هر حوزه را به دستگاه مربوط متصل می‌کند. به این ترتیب دانشگاه از طریق گروه‌های تخصصی، هسته‌های مسأله‌محور و پژوهش‌های کاربردی به کمک دستگاه‌های اجرایی می‌آید تا بازسازی کشور با اتکا به ظرفیت علمی و فناورانه داخلی و با نگاه به آینده انجام شود.

از نقش کلیدی دانشگاه‌ها در بازسازی کشور هم صحبت کردید. دقیقاً منظورتان از بازسازی چیست؟

وقتی از بازسازی صحبت می‌کنیم، منظور صرفاً بازسازی ساختمان‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی نیست. کشور در دوران جنگ از نظر وحدت ملی، همبستگی و پایداری اجتماعی ظرفیت قابل توجهی از خود نشان داد و مردم ایران نیز بار دیگر ایستادگی و تاب‌آوری خود را به نمایش گذاشتند. در عین حال جنگ در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، فناورانه و زیست‌محیطی آسیب‌هایی به همراه داشته است. بنابراین بازسازی و بازآفرینی کشور را باید در همه این ابعاد دید و دانشگاه نیز متناسب با ظرفیت خود می‌تواند به ترمیم آسیب‌ها و تقویت نقاط قوتی که در این دوره شکل گرفته است، کمک کند. در این میان بازآفرینی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی اهمیت زیربنایی دارد. اگر قرار است فردای ایران با اتکا به دانش و تخصص ساخته شود سرمایه اجتماعی همان بستری است که این تخصص‌ها را به یکدیگر و به جامعه متصل می‌کند. جامعه‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی در حوزه سرمایه اجتماعی و مسائل جامعه، اقتصاددانان و استادان مدیریت در زمینه تاب‌آوری و بازسازی اقتصادی، مهندسان در حوزه صنعت و زیرساخت و متخصصان کشاورزی در زمینه امنیت غذایی می‌توانند، مشارکت کنند. انجمن‌های علمی نیز که شبکه گسترده‌ای از استادان و دانش‌آموختگان دانشگاهی را در رشته‌های مختلف گرد هم آورده‌اند، ظرفیت مهمی برای ورود سازمان‌یافته جامعه علمی به مسائل کشور هستند. اساساً مسائل امروز کشور به اندازه‌ای به یکدیگر پیوسته‌اند که بدون نگاه میان‌رشته‌ای نمی‌توان برای آنها راه‌حل پایدار پیدا کرد.

این فرآیند از همین حالا آغاز شده است. در نشست‌هایی که رئیس‌جمهوری با شاخه‌های مختلف علمی داشته‌اند، استادان رشته‌هایی از اقتصاد و مدیریت تا علوم اجتماعی، هنر، تاریخ و ادبیات در جریان مسائل کلان کشور قرار گرفته‌اند و در مقابل دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های خود را ارائه کرده‌اند. در برخی موارد نیز استادان و گروه‌های دانشگاهی وارد فرآیند حل مسأله برای دستگاه‌هایی شده‌اند که نیازهای خود را اعلام کرده‌اند. بنابراین بازسازی از نگاه ما مفهومی جامع است که از اقتصاد و صنعت تا جامعه، فرهنگ، محیط زیست و فناوری را دربرمی‌گیرد و نقطه اتصال همه این حوزه‌ها، سرمایه انسانی و اجتماعی کشور است.

شما اشاره کردید که دانشگاه‌ها در خط مقدم بازسازی قرار می‌گیرند، این حضور قرار است در قالب چه برنامه‌ها و ساختارهایی عملیاتی شود؟

برای عملیاتی شدن این نقش باید قبل از هر چیز دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری در جریان مسائل واقعی کشور قرار بگیرند. برای این منظور سه مسیر پیش‌بینی کرده‌ایم. مسیر اول این است که وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی مسائل خود را به دفتر مدیریت حل مسائل کلان کشور در وزارت علوم اعلام کنند تا متناسب با هر مسأله، ظرفیت علمی و فناورانه مرتبط شناسایی و به دستگاه مربوط متصل شود. مسیر دوم، مسائل و اولویت‌هایی است که در سطح دولت مطرح می‌شود و دانشگاه‌ها می‌توانند برای حل آنها وارد عمل شوند. مسیر سوم نیز در سطح استان‌هاست که مسائل هر منطقه با همکاری مدیریت استان و دانشگاه معین شناسایی و برای آنها تیم‌های تخصصی تشکیل می‌شود. وزارت علوم در هر سه مسیر نقش پشتیبان و تسهیل‌گر را دارد. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها تیم‌های حل مسأله را شکل می‌دهند و پارک‌های علم و فناوری نیز ظرفیت فناورانه و مسیر تبدیل راه‌حل‌ها به محصول و خدمت را فراهم می‌کنند. البته حضور دانشگاه در بازسازی کشور فقط به پروژه‌های فنی و فناورانه محدود نمی‌شود. بخشی از این فرآیند به حوزه اجتماعی و فرهنگی مربوط است و در اینجا ظرفیت

بازدید وزیر علوم از روند بازسازی خوابگاه دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

بازدید وزیر علوم از دانشگاه شهید بهشتی پس از حمله آمریکایی _صهیونی

استادان، دانشجویان، انجمن‌های علمی و تشکل‌های دانشگاهی اهمیت پیدا می‌کند. ما به دنبال آن هستیم که در کنار هسته‌های تخصصی حل مسأله، زمینه مشارکت جامعه دانشگاهی در مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور نیز فراهم شود. بویژه دانشجویان و جوانان نخبه باید احساس کنند که در ساختن فردای ایران سهم و مسئولیت دارند. بخش دیگر این برنامه، حمایت هدفمند از نخبگان و نوآورانی است که آینده علمی و فناورانه ایران را خواهند ساخت. در این چارچوب، برای پایان‌نامه‌های محصول‌محور با همکاری معاونت‌های پژوهشی و فناوری وزارت علوم، تا سقف یک میلیارد تومان برای هر پروژه حمایت در نظر گرفته شده است. همچنین در حوزه‌های راهبردی آب و انرژی، گرنت‌هایی تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان برای توسعه محصولات پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر، برای ایجاد مراکز نوآوری هوش مصنوعی با مشارکت صنایع بزرگ در پارک‌های علم و فناوری، تا سقف ۴۰۰ میلیارد تومان حمایت اختصاص یافته و در بخش نمونه‌سازی و تجاری‌سازی نیز تسهیلاتی تا سقف ۲ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. علاوه براین، برای حمایت از فعالیت‌های پژوهشی، فناورانه و تجاری‌سازی ایده‌های اعضای تیم ملی المپیاد هوش مصنوعی نیز تسهیلات اعتباری پیش‌بینی شده است. نگاه ما این است که نخبگان جوان صرفاً دریافت‌کننده حمایت نباشند، بلکه امکانات لازم در اختیارشان قرار گیرد تا ایده و دانش خود را به محصول، فناوری و راه‌حل برای مسائل کشور تبدیل کنند و در ساختن فردای ایران نقش داشته باشند.

۴۰۰ میلیارد تومان

برای ایجاد مراکز نوآوری هوش مصنوعی با مشارکت صنایع بزرگ در پارک‌های علم و فناوری، تا سقف ۴۰۰ میلیارد تومان حمایت اختصاص یافته است.

مطالعاتی که اشاره کردید برای بازنگری و روزآمدسازی سیاست‌های علم، فناوری و فرهنگی آغاز شده است، شامل چه حوزه‌هایی می‌شود و چه زمانی به مرحله اجرا می‌رسد؟

این بازنگری حوزه‌های مختلف آموزش، پژوهش، فناوری و فرهنگ را دربرمی‌گیرد و بخشی از آن نیز از قبل آغاز شده است. برای علوم پایه و علوم انسانی و اجتماعی دو سند جداگانه تهیه شده تا متناسب با تحولات و نیازهای جدید کشور، جایگاه و مأموریت این حوزه‌ها تقویت شود. در بخش پژوهش نیز تأمین و نوسازی تجهیزات آزمایشگاهی، افزایش حمایت از پژوهشگران و گرنت (کمک هزینه) اعضای هیأت علمی و تدوین آیین‌نامه جامع پژوهانه در دستور کار قرار گرفته است. در کنار این موارد، در آیین‌نامه جدید ارتقای اعضای هیأت علمی نیز برای اثرگذاری استادان در حل مسائل جامعه جایگاه مشخصی در نظر گرفته‌ایم تا ارزیابی فعالیت علمی صرفاً محدود به تعداد مقالات نباشد و اثر اجتماعی و مسأله‌گشایی علم نیز دیده شود. در حوزه آموزش، بازنگری برنامه‌های درسی از قبل در دانشگاه‌ها آغاز شده و تلاش می‌کنیم آموزش عالی با تحولات علمی و فناوری و نیازهای جدید بازار کار فاصله نداشته باشد. برای نمونه ۲۴ کد رشته جدید در حوزه هوش مصنوعی ایجاد شده و مهارت‌آموزی و افزایش اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان نیز با جدیت بیشتری دنبال می‌شود. در حوزه فرهنگی نیز سیاست‌ها با توجه به تحولات جامعه و ضرورت تقویت ارتباط دانشگاه با جامعه در حال بازنگری است و موضوعاتی مانند مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مشارکت استادان و دانشجویان در مسائل جامعه جایگاه پررنگ‌تری پیدا کرده است. بخشی از این سیاست‌ها هم‌اکنون وارد مرحله اجرا شده و بخش‌های دیگر نیز پس از تکمیل مطالعات و تصویب اسناد و آیین‌نامه‌های مربوط، به تدریج اجرایی خواهد شد.

در حوزه فناوری، سیاست‌های ما هم یک پاسخ فوری به شرایط پساجنگ دارد و هم یک جهت‌گیری میان‌مدت و بلندمدت. در کوتاه‌مدت اولویت ما حفظ ظرفیت موجود و حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده است. امروز ۶۰ پارک علم و فناوری، ۲۸۳ مرکز رشد و ۲۳ پردیس علم و فناوری با بیش از ۱۶ هزار واحد فناور و بیش از ۱۶۱ هزار شاغل در کشور فعال هستند و حفظ این سرمایه برای ما اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل تأمین سرمایه در گردش، تقویت زنجیره تأمین و جلوگیری از تعدیل نیروی انسانی شرکت‌های فناور دنبال می‌شود. در افق بلندتر نیز باید از حمایت‌های پراکنده به سمت سیاست فناوری مأموریت‌گرا حرکت کنیم و پارک‌های علم و فناوری متناسب با نیازهای بازسازی کشور مأموریت‌های مشخص‌تری برعهده بگیرند. هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال، ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته و فناوری‌های راهبردی از اولویت‌های این دوره هستند. در کنار آن، تقویت زیرساخت‌های نیمه‌صنعتی برای حدود دو هزار واحد فناور، ایجاد ۵ فب‌لب اشتراکی، توزیع جغرافیایی مناسب‌تر زیرساخت‌های فناورانه و توجه جدی‌تر به الزامات پدافند غیرعامل و حفاظت از مراکز فناوری دنبال خواهد شد. بنابراین بخشی از این بازنگری‌ها هم‌اکنون وارد مرحله اجرا شده و بخش دیگر نیز متناسب با تصویب برنامه‌ها و تأمین الزامات آن به تدریج اجرایی می‌شود.

> اگر قرار است فردای ایران با اتکا به دانش و تخصص ساخته شود، سرمایه اجتماعی همان بستری است که این تخصص‌ها را به یکدیگر و به جامعه متصل می‌کند. اساساً مسائل امروز کشور به اندازه‌ای به یکدیگر پیوسته‌اند که بدون نگاه میان‌رشته‌ای نمی‌توان برای آنها راه‌حل پایدار پیدا کرد

سهم دانشگاه‌های بزرگ، دانشگاه‌های استانی، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری در این نقشه جدید چگونه تفکیک خواهد شد؟

تقسیم کار در این نقشه بر اساس مزیت‌ها، ظرفیت‌ها و توان تخصصی هر دانشگاه و نهاد علمی انجام می‌شود. دانشگاه‌های بزرگ و جامع طبیعتاً ظرفیت بیشتری برای ورود به مسائل ملی، فناوری‌های پیشرفته و پروژه‌های کلان و میان‌رشته‌ای دارند. دانشگاه‌های استانی نیز باید بیش از گذشته با مسائل و مزیت‌های منطقه خود پیوند بخورند و در توسعه منطقه‌ای نقش ایفا کنند. پژوهشگاه‌ها متناسب با حوزه تخصصی خود در مطالعات راهبردی و حل مسائل تخصصی وارد می‌شوند. سهم پارک‌های علم و فناوری نیز به طور مشخص انتقال فناوری و تکمیل زنجیره تبدیل دانش به محصول و خدمت است. به عبارت دیگر، دانشگاه و پژوهشگاه دانش و راه‌حل تولید می‌کنند و پارک‌ها باید زمینه انتقال این دانش و فناوری به صنعت، بازار و دستگاه‌های اجرایی و تجاری‌سازی آن را فراهم کنند. این رویکرد در قالب سیاست مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها در حال پیگیری است و تاکنون ۸۵ مأموریت در حوزه‌های مختلف به دانشگاه‌ها واگذار شده است. در مرحله بعد نیز مأموریت‌های بلندمدت و کلان متناسب با ظرفیت و مزیت هر دانشگاه به دانشگاه‌های اصلی کشور واگذار خواهد شد. در سطح استان‌ها نیز دانشگاه‌ها باید در تعامل با مدیریت استان، مسائل و اولویت‌های منطقه را شناسایی کنند و بخشی از توان آموزشی، پژوهشی و فناورانه خود را به حل آنها اختصاص دهند. هدف این است که هر دانشگاه در کنار مأموریت عمومی آموزش و پژوهش، بداند در حل کدام مسأله ملی یا منطقه‌ای مسئولیت و مزیت بیشتری دارد و بر همان اساس ظرفیت‌های خود را سازمان دهد.

۱۶۱۰۰۰ شاغل

بیش از ۱۶ هزار واحد فناور و بیش از ۱۶۱ هزار شاغل در کشور فعال هستند و حفظ این سرمایه برای ما اهمیت زیادی دارد.

در صحبت‌های‌تان اشاره کردید این جنگ می‌تواند به فرصتی تاریخی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها تبدیل شود. این فرصت در حوزه آموزش عالی دقیقاً چگونه باید به نتیجه عینی برسد؟

زمانی که از فرصت سخن می‌گوییم، به هیچ‌وجه به معنای نادیده گرفتن خسارت‌های جنگ نیست. جنگ تحمیلی به دانشگاه‌ها، زیرساخت‌های علمی و پژوهشی و سرمایه انسانی کشور آسیب وارد کرد، اما در عین حال برخی ضرورت‌هایی را که شاید در شرایط عادی با سرعت کمتری به آنها توجه می‌کردیم، با صراحت بیشتری پیش روی ما قرار داد. آسیب‌پذیری برخی زیرساخت‌ها، ضرورت کاهش وابستگی در حوزه‌های راهبردی، اهمیت حفظ و حمایت از نخبگان و لزوم پیوند جدی‌تر دانشگاه با مسائل کشور، از جمله درس‌هایی است که باید از این تجربه بگیریم. اگر این شناخت به اصلاح سیاست‌ها و تصمیم‌های مشخص منجر شود، می‌توان بخشی از تهدید را به فرصتی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها تبدیل کرد. نتیجه عینی این نگاه باید در دانشگاه قابل مشاهده باشد. در همین زمینه با رئیس جمهوری درباره اختصاص اعتباراتی برای روزآمدسازی آموزش عالی گفت‌وگو شده است. بخشی از این منابع باید صرف تجهیز و نوسازی آزمایشگاه‌ها و زیرساخت‌های پژوهشی شود و بخشی نیز برای توسعه فرصت‌های مطالعاتی استادان و پژوهشگران و تقویت ارتباطات علمی اختصاص یابد. ما در برخی حوزه‌ها نیازمند یک جهش برای جبران فاصله ایجاد شده هستیم و این امر بدون سرمایه‌گذاری در زیرساخت، تجهیزات و سرمایه انسانی ممکن نیست. دانشگاه پساجنگ باید تاب‌آورتر و روزآمدتر باشد، در فناوری‌های راهبردی توان بیشتری پیدا کند و آموزش و پژوهش آن با نیازهای آینده کشور ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد. در کنار اینها حفظ و جذب نخبگان و فراهم کردن امکان اثرگذاری آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف ما این نیست که دانشگاه را صرفاً به شرایط پیش از جنگ برگردانیم. همان‌طور که در بازسازی کشور از بازآفرینی سخن می‌گوییم، در آموزش عالی نیز باید از این تجربه برای ساختن دانشگاهی قوی‌تر، مسأله‌محورتر و آماده‌تر برای مواجهه با تحولات آینده استفاده کنیم.

نقش استادان و نخبگان دانشگاهی در این مسیر چیست و چگونه قرار است از ظرفیت آنان به صورت سازمان‌یافته استفاده شود؟

استفاده از ظرفیت استادان و نخبگان باید مبتنی بر شناخت دقیق توانمندی‌ها و سوابق آنها باشد. در حال حاضر از طریق سامانه‌های «علم‌سنجی» و «ساجد»، اطلاعات مناسبی از فعالیت‌های علمی، پژوهشی و قراردادهای ارتباط با صنعت اعضای هیأت علمی در اختیار داریم و مشخص است کدام استادان در حل مسائل صنعت و جامعه تجربه موفقی داشته‌اند و پروژه‌های خود را به‌موقع و با کیفیت مناسب به نتیجه رسانده‌اند. در واقع یک بانک اطلاعاتی از توانمندی استادان و دانشگاه‌ها شکل گرفته است. هنگام ارجاع مسائل دستگاه‌ها و صنایع، براساس همین اطلاعات، استادان و دانشگاه‌هایی که بیشترین ظرفیت و سابقه مرتبط را دارند، شناسایی می‌شوند و تیم‌های حل مسأله شکل می‌گیرد. به این ترتیب مشارکت جامعه علمی از حالت موردی و مبتنی بر شناخت‌های شخصی خارج و به یک سازوکار سازمان‌یافته تبدیل می‌شود.

شما به ضایعه از دست رفتن نخبگان علمی و دانشگاهی هم اشاره کردید، وزارت علوم برای جبران این خلأ علمی و انسانی چه برنامه‌ای دارد؟

فقدان نیروهای علمی کارآمد بسیار سخت و اثرگذار است و به سادگی جبران نمی‌شود. اصلی‌ترین ثروت هر جامعه نیروی انسانی خلاق، متخصص و متعهد آن است و از دست رفتن هر استاد و نخبه علمی صرفاً فقدان یک فرد نیست؛ بلکه از دست رفتن بخشی از تجربه، دانش و سرمایه علمی کشور است. در کنار حمایت از خانواده‌ها و جامعه دانشگاهی آسیب‌دیده، مسئولیت مهم ما این است که مسیر علمی این استادان متوقف نشود و زمینه برای رشد و نقش‌آفرینی نسل جدید استادان، پژوهشگران و نخبگان جوان فراهم شود. برای این منظور ظرفیت‌هایی مانند دوره‌های پسادکتری، مأموریت و فرصت مطالعاتی اعضای هیأت علمی در صنعت، فرصت‌های مطالعاتی بین‌المللی و انواع بورس‌ها را هدفمندتر خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم بخش مهمی از آنها به حل مسائل واقعی کشور متصل شود. در فرصت مطالعاتی داخلی نیز هدف اصلی، تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت است و انتظار ما از صنایع این است که مسائل واقعی خود را در اختیار دانشگاه قرار دهند و از ظرفیت استادان و پژوهشگران جوان برای حل آنها استفاده کنند. همچنین طرحی برای تربیت و آماده‌سازی مدیران آینده صنعت با مشارکت گروهی از استادان در دست پیگیری است تا استادان مستعد و توانمند برای حضور مؤثرتر در بخش‌های صنعتی و فناورانه کشور آماده شوند.

در حوزه بین‌المللی نیز ظرفیت‌های خوبی بویژه در کشورهای آسیایی و شرق آسیا وجود دارد که باید بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. برای آشنایی اعضای هیأت علمی با این فرصت‌ها، تاکنون در حداقل شش دانشگاه برنامه‌هایی برای معرفی ظرفیت‌های همکاری علمی و فرصت‌های مطالعاتی کشورهای مختلف برگزار شده است. حضور استادان جوان در محیط‌های علمی و پژوهشی بین‌المللی، دسترسی به شبکه‌های علمی و فناوری و بازگشت این تجربه به دانشگاه‌های کشور، می‌تواند به ارتقای توان علمی نسل جدید کمک کند. جبران چنین خسارتی کوتاه‌مدت نیست، اما باید با سرمایه‌گذاری جدی‌تر بر نسل آینده نخبگان، استمرار و تقویت جریان تولید علم در کشور را تضمین کنیم.

• برش •

درخصوص تأسیس میز مطالعات اجتماعی جنگ در معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر در محل مؤسسه مطالعات فرهنگی هم توضیحاتی می‌دهید. ضرورت تأسیس این میز در شرایط فعلی چیست؟

جنگ صرفاً یک پدیده نظامی نیست و آثار آن با پایان عملیات نظامی نیز پایان نمی‌یابد. جنگ بر خانواده، اقتصاد، مهاجرت، آموزش، فرهنگ، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی، حافظه جمعی و حتی مناسبات میان گروه‌های مختلف جامعه اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، بخشی از واقعیت جنگ در تجربه زیسته مردم شکل می‌گیرد؛ از مواجهه با ناامنی، فقدان و جابه‌جایی تا شکل‌گیری همبستگی‌های اجتماعی و مشارکت‌های مردمی. تأسیس میز مطالعات اجتماعی جنگ با همین نگاه صورت گرفته است تا این تحولات با روش علمی و بر مبنای داده و پژوهش‌های میدانی مطالعه و ثبت شود. برای ما به‌طور خاص مسأله سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی اهمیت دارد. جامعه ایران در جریان جنگ ظرفیت قابل‌توجهی از همبستگی، ایستادگی و تاب‌آوری نشان داد که باید به صورت علمی بررسی کنیم این ظرفیت چگونه شکل گرفت، چه عواملی آن را تقویت کرد، در چه حوزه‌هایی همچنان آسیب‌پذیری وجود دارد و چگونه می‌توان این سرمایه را در دوره پساجنگ حفظ و تقویت کرد. خروجی این مطالعات هم قرار نیست صرفاً انتشار مقاله باشد. انتظار داریم به گزارش‌های سیاستی، سنجش افکارعمومی، شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی و پیشنهادهای مشخص برای دستگاه‌های تصمیم‌گیر منجر شود و تجربه این دوره را به دانشی برای مواجهه بهتر با چالش‌های آینده تبدیل کند.

دانشگاه نیز در این میان یک موقعیت دوگانه دارد؛ از یک سو خود یک نهاد اجتماعی است که باید بتواند در شرایط جنگ و پساجنگ فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجتماعی خود را با کمترین اختلال ادامه دهد و از سوی دیگر مسئولیت دارد با ظرفیت علمی خود به بازآفرینی سایر نهادهای جامعه کمک کند. انجام هر دو مأموریت نیازمند شناخت دقیق تحولات اجتماعی ناشی از جنگ است. به همین دلیل مطالعات اجتماعی جنگ را بخشی از فرآیند بازآفرینی کشور می‌دانیم؛ زیرا اگر قرار است برای فردای ایران تصمیم بگیریم، ابتدا باید بدانیم جنگ چه تغییراتی در جامعه ایجاد کرده و کدام ظرفیت‌ها را حفظ و کدام آسیب‌ها را ترمیم کنیم.